



فصلنامه علمی پژوهشی
دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت
سال نهم / شماره ۳۳ / بهار ۱۳۹۹

جامعه‌شناسی حسابداری، دیدگاه‌ها و چالش‌ها: از منظر پارادایم‌های غالب

راحله همایونی‌راد

دانشجوی دکتری تخصصی حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران
rahelehhomayouni@yahoo.com

فریدون رهنمای رودپشتی

استاد و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه حسابداری، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
rahnama.roodposhti@gmail.com

هاشم نیکومرام

استاد و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه حسابداری، تهران، ایران

مهرداد نوابخش

استاد و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه جامعه‌شناسی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۸/۲۷

چکیده

امروزه با توجه به پیچیده شدن ارتباط شرکت‌های موجود در جامعه با یکدیگر و همچنین با دولت و افراد حاضر در جامعه، شرایطی به وجود آمده که شرکت‌ها می‌بایست نه تنها به ذی‌نفعان بلکه به آحاد مردم پاسخ‌گو باشند. حسابداری با رویکرد اجتماعی و با نگاه جامعه‌شناسانه وسیع می‌تواند با در نظر گرفتن نتایج اجتماعی تصمیمات و اثرات اقتصادی آنها، دامنه حسابداری سنتی را گسترش دهد. هدف اصلی این مقاله، مطالعه جامعه‌شناسی حسابداری به منظور توسعه دانش حسابداری است. بدین منظور، با بهره‌گیری از تخصص تعدادی از خبرگان پرسشنامه‌ای در راستای اهداف پژوهش تنظیم گردید و نمونه‌ای متشکل از ۱۷۰ نفر از اساتید برجسته رشته حسابداری کشور در تکمیل آن مشارکت نمودند. فرضیه‌ها با استفاده از روش تی‌تک نمونه‌ای آزمون گردید و از تحلیل محتوا جهت تحلیل پدیده‌های مرتبط با موضوع بهره‌گرفته شد. نتایج حاکی از وجود رابطه معنادار و موثر بین حسابداری و جامعه‌شناسی است. بررسی پارادایم‌ها نشان می‌دهد که جهت حرکت پارادایم‌های حسابداری و جامعه‌شناسی به سمت رویکردهای جمع‌گرایانه می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: جامعه‌شناسی حسابداری؛ پارادایم‌های حسابداری؛ پارادایم‌های جامعه‌شناسی؛ حسابداری اجتماعی؛ تحلیل محتوا.

۱- مقدمه

حسابداری به طور سنتی به عنوان یک عمل تاریخی ترسیم شده است، اما معضلات اخیر که در جامعه جهانی رخ داده، اغلب اجتماعی هستند و زمینه تحقیقات حسابداری اجتماعی و زیست محیطی (SEAR)^۱ را گسترش داده اند، موضوعاتی از قبیل: (۱) افزایش حمایت از تولیدات داخلی، نارضایتی از روند سیاسی موجود و تنشهای احتمالی همزمان با سیاستهای جهانی سازی در عصر جدید؛ (۲) نحوه عمل و گزارشگری مربوط به سیاست تغییرات اقلیمی، اطلاعات مربوط به کالاها و سیاست های سرمایه داری متفاوت، و (۳) گسترش نفولبرالیزه کردن سازمان های غیردولتی و نهادهای دولتی در شرایط بحران پناهندگان و مهاجرت به کشورهای توسعه یافته (آرنولد و سیکا، ۲۰۰۱؛ سیکا و لهن، ۲۰۱۵).

مسئولیت اجتماعی در برگیرنده موضوعاتی از قبیل روابط متقابل شرکت ها و جامعه و بویژه تحمیل تأثیر منفی و مضر فعالیت های شرکت ها بر افراد و جوامع است. در حالی که مسئولیت های اجتماعی شرکت ها به موضوعی رایج در مباحث سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تبدیل شده است اما هنوز در مورد تعریف روش های اجرای آن توافقی وجود ندارد (وایت هاوس، ۲۰۰۳). به عنوان نمونه، بررسی پژوهش های مربوط نشان می دهد که تعاریف بسیار متفاوتی از مفهوم مسئولیت اجتماعی شامل فعالیت شرکت ها در مورد سرمایه گذاری های بشردوستانه تا تعهد به انجام اقدام های قانونی، اخلاقی و بشردوستانه درست که رفاه جامعه و کسب و کار را حفظ و بهبود دهد؛ وجود دارد (فالکنبرگ و پلوزا، ۲۰۰۹؛ اسریواستوا، ۲۰۱۳؛ لیندگرین و همکاران، ۲۰۰۹؛ برادیش و کرونین، ۲۰۰۹).

امروزه جوامعی پیشرفته به حساب می آیند که حسابداری اجتماعی بطور مستمر در آن ها صورت می گیرد. در حالیکه علم حسابداری به تنظیم ترازنامه های مالی درون شرکت ها و بین شرکت ها در قالب هزینه ها، درآمدها و نظایر آن می پردازد، جامعه شناسی در سطوحی کلان به بررسی شاخص های اجتماعی می پردازد و به نوعی آن ها را حسابداری می نماید. در صورتیکه این عمل به موقع و به جا صورت گیرد، نظم و توسعه اجتماعی که از ضرورت های تراز اول جوامع انسانی است، تحقق می یابد (شیخی، ۱۳۹۱). انسان شناسی فلسفی و جامعه شناسی انتقادی هونت^۲ در سازمان ها می تواند پدیدارشناسی موثری را در مورد رویه های حسابداری یا سیستم هایی که می توانند روابط سازمانی را تحت تأثیر قرار دهند، فراهم کند (توید، ۲۰۱۸). حسابداری اجتماعی نه تنها مدیریت اجتماعی را موجب می گردد، بلکه اصول مدیریت محیطی را نیز ارتقاء

می بخشد. در حالی که بسیاری از مسائل اجتماعی گیج کننده و پیچیده است، حسابداری اجتماعی به طور مستمر می بایست اعمال گردد تا بتوان از پیچیدگی های بیشتر پیشگیری به عمل آورد. پیچیدگی های اجتماعی خود ناشی از تغییرات اجتماعی است که در مواردی عمدی، اما اغلب برنامه ریزی نشده صورت می گیرد (ماکیونیس و پلامر، ۲۰۱۲).

جامعه شناسی با استفاده از دو نوع آمارهای اجتماعی و آمارهای حیاتی، روند تغییر شاخص های اجتماعی را مورد سنجش قرار می دهد و بدین گونه، همواره تصاویری^۵ جدید از جامعه به دست می دهد (کوپر و کوپر، ۱۹۹۶). تغییرات اجتماعی، امروزه بیش از هر زمانی دیگر در گذشته اتفاق می افتد، انتظارات، همواره رو به تغییرند و گروه های مختلف اجتماعی، روش های زندگی جدیدی را دنبال می نمایند و لذا اهمیت به کارگیری جامعه شناسی، بیش از هر زمانی در گذشته به چشم می خورد. جامعه شناسی همچنین ابعاد انسانی مسائل محیطی را مورد مطالعه قرار می دهد. یعنی آثار اجتماعی این گونه مسائل را بررسی می نماید و به ارائه راه حل در خصوص آن ها می پردازد (برای مثال؛ هریسون^۷، ۲۰۰۸؛ کریسکو^۸، ۲۰۱۵؛ دکین^۹، ۲۰۱۵؛ روهال^{۱۰}، ۲۰۱۵).

ارتباط میان مباحث مالی و اقتصادی با جامعه شناسی، تاریخی پیچیده و طولانی دارد (زربیاف، ۱۳۸۷)، اما درخصوص ارتباط بین حسابداری به عنوان حوزه ای از دانش که به جمع آوری و گزارشگری اطلاعات مالی سازمان ها می پردازد؛ و جامعه شناسی مطالعات بنیادی کمی وجود دارد، این در حالی است که به اعتقاد بورل و مورگان (۱۳۸۳) تمامی نظریه های سازمان بر فلسفه ای از علم و نظریه ای از جامعه مبتنی است. رویکردهای جامعه شناسانه با ارائه یک زبان و ابزار مفهومی برای درک قابلیت های متعددی که در حوزه حسابداری وجود دارد، می تواند نقش قابل توجهی ایفا نماید (آنیست^{۱۱} و ریچاردسون^{۱۲}، ۱۹۸۸). از دهه ۶۰ میلادی، شرکت ها به اهمیت منابع اجتماعی پی برده اند، به گونه ای که این اهمیت، خود را در یک دهه بعد در گزارشگری اجتماعی نشان داد. دهه ۷۰ شروع و اوج دوران حسابداری و گزارشگری اجتماعی به شمار می آید. در این دهه، مقالات زیادی نوشته شد که نشان از علاقه مندی مدیران به ارائه اطلاعات اجتماعی می دهد، به طوری که در دهه اول گسترش حسابداری اجتماعی، بسیاری از شرکت ها به سمت گزارشگری اجتماعی پیش رفتند. مشکلات زیادی نیز در راستای گزارشگری اجتماعی وجود داشته و دارد که پیشرفت این نوع گزارشگری را با محدودیت مواجه نموده است (برزرگ، ۱۳۹۲). واتس و زیمرمن^{۱۳} (۱۹۸۶) از محققان و نظریه پردازان حسابداری در کتاب تئوری حسابداری اثباتی مدعی اند که

ستاندها را مشخص می‌نماید، جامعه‌شناسی نیز متغیرهای اجتماعی را محاسبه و مشخص می‌نماید. نتیجه کار هر دو، مکمل یکدیگر می‌باشند. به عبارت دیگر، نتایج کار جامعه‌شناسان به حسابداران اجتماعی کمک می‌نماید تا ترازنامه‌های هرچه بیشتر به‌هنگام از یک جامعه مورد نظر و در یک زمان مورد نظر ارائه دهند. بدینگونه ارتباطی موجه بین این دو زمینه علمی وجود دارد. ضمن اینکه یافته‌های جامعه‌شناسی دیدی نوین به حسابداران می‌دهد، روش‌های محاسباتی حسابداری نیز جامعه‌شناسان را در مطالعات کمی خود کمک می‌نماید. گرچه تاکنون چنین پلی بین این دو زمینه (رشته) وجود نداشته است، لیکن در صورت ایجاد این پل، توسعه اجتماعی زودتر دست‌یافتنی می‌گردد (شیخی، ۱۳۹۱). بکارگیری مناسب حسابداری اجتماعی می‌تواند منجر به توسعه اقتصادی و در پی آن بکارگیری بهتر و موثرتر منابع باشد (رهنمای رودپشتی و همکاران، ۱۳۹۵).

با مطالعه تحقیقات صورت گرفته در خصوص جامعه‌شناسی حسابداری و مرور ادبیات تحقیق، در این مقاله چهار نوع طبقه‌بندی توسعه حسابداری ارائه می‌شود: اخلاق رویه‌ای، نظریه انتقادی، پست مدرنیسم و تفسیر گرایی. در تحقیقات حسابداری اجتماعی، این تقسیم بندی به زمینه کسب و کار، نظریه انتقادی، نظریه رادیکال و رئالیسم انتقادی / تفسیرگرایی تبدیل شده‌اند. تحقیقات اخیر، همانطور که در جدول ۲ نشان داده شده، نشان می‌دهد که در عصر جدید، این رشته‌های فکری دیگر با توجه به مطالعات گسترده‌ای که در زیر جدول ۱ ذکر شده است، کار نمی‌کنند. طبقه بندی جدید برای تحقیقات حسابداری اجتماعی از طریق تجزیه و تحلیل موضوع، مباحث و بررسی اهداف برخی از مقالات اخیر در مجلات معتبر بدست آمده است (به عنوان مثال: لهنم و کروپا، ۲۰۱۷؛ توماسن، ۲۰۱۵؛ آترمن و چپمن، ۲۰۱۴). جدول ۲، بررسی جدیدی از روند تحقیقات حسابداری اجتماعی را ارائه می‌دهد، که نشان دهنده نقشی است که سایر رشته‌های تحقیقاتی می‌توانند ایفا کنند. این جدول ارتباط بین رویکردهای مختلف بین طرفداران انتقادی، تفسیرگرایان، رادیکالها و واقع‌گرایان را نشان می‌دهد. با بررسی‌های به عمل آمده مشاهده شد که زمینه کسب و کار در حال حاضر هم در تئوری و هم در عمل تحقیقات حسابداری اجتماعی غالب است.

البته هدف از این مقاله بررسی تحلیلی موضوع نیست، بلکه نشان دادن شرایط لازم برای کمک به بهتر شدن روابط با سایر فرهنگ‌ها و جوامع و محیط‌های اجتماعی است. جهت گیری آتی تحقیقات حسابداری اجتماعی باید ارتباط بین

هدف تئوری حسابداری، تشریح و پیش‌بینی رویه حسابداری است. آن‌ها بین تئوری تجویزی و عملی تمایز قائل شده‌اند و معتقدند هر چیزی نیاز به توصیف دارد اما تئوری تجویزی هیچ توصیفی از عملکرد حسابداری ارائه نمی‌کند و فقط آن‌هایی می‌توانند تئوری باشند که برای حداکثر کردن ارزش به کار می‌روند (رهنمای رودپشتی و همکاران، ۱۳۹۵).

به این ترتیب، حسابداری با رویکرد اجتماعی و با نگاه جامعه‌شناسانه وسیع که تمام جامعه را دربرگیرد، پاسخی به این مشکلات می‌باشد که با در نظر گرفتن نتایج اجتماعی تصمیمات، همچون اثرات اقتصادی آن‌ها، سعی در گسترش دامنه حسابداری سنتی داشته و معیارهای جدیدی را برای تعریف اهداف اجتماعی و ارزیابی میزان پیشرفت در نیل به این اهداف می‌طلبد. لذا بازبینی و تبیین پارادایم‌های فکری غالب در رشته حسابداری از بعد نگاه جامعه‌شناسانه، موضوعی است که از نگاه خرد و کلان، حائز اهمیت است.

هدف از طرح موضوع مورد نظر، ارتباط دادن دو زمینه جامعه‌شناسی و حسابداری است که تا به حال، کمتر در ایران به آن پرداخته شده است. بنابراین به‌طور خاص تلاش می‌گردد تا با مطالعه و بررسی دقیق ادبیات و مبانی نظری مطرح در حسابداری، بررسی گردد که تئوری‌ها و پارادایم‌های مطرح در این رشته علمی، چه تحولاتی را تجربه کرده‌اند. مرور و تحلیل زنجیروار موارد مذکور و بررسی موازی آن‌ها در کنار تئوری‌ها و مفاهیم مطرح در جامعه‌شناسی، کمک می‌نماید که پارادایم‌های فکری غالب در رشته حسابداری از بعد نگاه جامعه‌شناسانه شناسایی گردند. با توجه به توضیحات ارائه شده، در مطالعه حاضر پس از مرور ادبیات تحقیق و بیان چارچوب نظری تحقیقات حسابداری اجتماعی با استفاده از رویکرد فلسفی؛ روند تحقیقات انجام شده در حوزه حسابداری اجتماعی مورد بررسی و طبقه بندی قرار می‌گیرد. سپس به منظور آزمون ارتباط بین دو حوزه جامعه‌شناسی و حسابداری از منظر پارادایم‌ها، دو پرسش به شرح زیر مطرح می‌شوند که (۱) میزان ارتباط دانش افزای دو زمینه جامعه‌شناسی و حسابداری، تا چه اندازه در توسعه دانش موثر بوده است؟ و (۲) آیا می‌توان جهت حرکت پارادایم‌های حسابداری را با جهت حرکت پارادایم‌های جامعه‌شناسی مقایسه کرد؟

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

۲-۱- چارچوب نظری تحقیقات حسابداری اجتماعی

در حالی که حسابداری عمدتاً ارتباطات مالی و تجاری را دنبال می‌نماید و در ابعاد مختلف ترازنامه بین نهاده‌ها و

چهار دیدگاه تمرکز دارد. در نهایت، دورنمای ممکن برای تحقیقات حسابداری اجتماعی با استفاده از این دیدگاه ها بررسی می شود.

حسابداری، چارچوب ارزیابی و سیستم های اطلاعاتی را گسترش دهد، به همان گونه ای که آنها بر سیستم اجتماعی تاثیر می گذارند. برای این منظور، این بخش از مقاله بر چگونگی توسعه تحقیقات حسابداری اجتماعی با استفاده از

جدول ۱- رویکردهای فلسفی برای حسابداری انتقادی

ربع اول: اخلاق رویه ای از دوران کانت تا بنتهام تئوری پردازان حسابداری: Gallhofer and Haslam, Gaa, Bayou, Reinstein and williams	ربع دوم: نظریه انتقادی از دوران مارکس تا هابرماس تئوری پردازان حسابداری: Broadbent, Power, Tinker, Laughlin.
ربع چهارم: تفسیرگرایی تئوری پردازان حسابداری: Cooper, Willmott, Roslender.	ربع سوم: پست مدرنیسم (Derrida, Foucault, Lacan) تئوری پردازان حسابداری: Francis, Messner, Arrington.

منبع: لهن و کروبا (۲۰۱۷)

ترتیب، جای امیدواری وجود دارد که اخلاق در همه جا، با وجود فرهنگ ها و هویت های متفاوت، قابل مقایسه باشد. یک احساس مشترک جهانی و یک شخصیت جهانی بودن در این تفکر دخیل است. بنابراین می توان چنین استدلال کرد که این استراتژی، نتایج اخلاقی بهبود یافته در تعاملات ما با یکدیگر، جوامع گسترده و محیط پیرامون ما را به دنبال دارد. برای تحقیقات حسابداری اجتماعی، این موضوع شامل تعیین محتوای اخلاقی مربوط به تاثیرات (و نتایج) سیستم های شرکتی و اجتماعی مرتبط با محیط در فرهنگ های مختلف است (توماسون، ۲۰۱۵).

سوم، رویکردهای نظری انتقادی و رادیکالی تحقیقات حسابداری اجتماعی به هنجارهای اخلاقی اساسی مانند سطح نابرابری در جامعه می پردازد. این رشته تحقیق، سولاتی درخصوص مسائل مربوط به پایداری تجارت و کسب و کار را به عنوان وسیله ای برای ایجاد تغییر در تحقیقات حسابداری اجتماعی مطرح می کند. در چهارچوب مباحث انتقادی تمایل به بررسی پویایی در پایه و ساختار روابط سرمایه داری در تولید وجود دارد. بسیاری از حسابداران انتقادی معتقدند که حسابداری یک رویه غیرمنصفانه را در پیش گرفته است و بیانیه های انتقادی گذشته درخصوص گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکتها از دیدگاه تئوری مشروعیت و تئوری ذینفعان را گسترش می دهد. این نظریه ها، محدودیت های نقش حسابداری اجتماعی و زیست محیطی از لحاظ نقش بهبود دهنده، میانجیگری، اصلاح کننده و تغییر وظایف حسابداری در راستای منافع عمومی را مورد بحث قرار می دهند. با این

به نظر می رسد که تحقیقات حسابداری اجتماعی یک رویکرد عمده کسب و کار را در راستای پایداری به ارمغان آورده است. رویکرد کسب و کار از این موضوع حمایت می کند که تحقیقات حسابداری اجتماعی باید در پارادایم های تجاری موجود قرار گیرد. محققان زمینه کسب و کار به بررسی شیوه های اجتماعی و محیطی می پردازند. اطلاعات مناسب می تواند عملیات کسب و کار موجود را تقویت کند (برای مثال، بهره وری بیشتر). علاوه بر این، کار در این زمینه به دنبال ارائه اطلاعات "بهرتر"، بهبود تصمیم گیری های داخلی و کاهش دادرسی های اجتماعی و زیست محیطی را به دنبال خواهد داشت. این امر، پاسخگویی بیشتر به ذینفعان خارجی را فراهم می کند. زمینه کسب و کار در تحقیقات حسابداری اجتماعی اغلب برای افزایش پایداری سیستم اجتماعی موجود مورد استفاده قرار می گیرد. بنابراین، تحقیقات حسابداری اجتماعی با استفاده از رویکرد کسب و کار، در درجه اول تغییرات در بازار موجود و پارادایم اقتصادی را در نظر می گیرد (آنرمن و چپمن، ۲۰۱۴).

طبقه بندی دوم، یک رویکرد تکاملی است که از تئوری حسابداری انتقادی نشات می گیرد. این حوزه از ادبیات حرفه ای، ادعاهای کلی درباره ماهیت متمایز اخلاق در تحقیقات حسابداری اجتماعی را مورد بررسی قرار می دهد. این دیدگاهی است که معتقد به تغییر اجتماعی است و از طریق تمرکز بر اخلاق حرفه ای و تحولات اخلاقی از نظام اجتماعی فعلی پدیدار می شود. ادعای کلی اخلاقی آن است که امکان ایجاد نقاط مشترک درون سیستم فعلی وجود دارد. به همین

وجود، تلاش برای سیاسی کردن نظریه مشروعیت و نظریه ذینفعان، به منظور تسلط بر آنچه مطرح است، موفق نبوده است. برای مثال، مارکسیست‌ها به شیوه نگاه ما به جهان نفوذ می‌یابند و در واقع، بیانگر این است که چگونه ایده‌های مارکس برای قرن بیستم به روش‌های منحصر به فرد تبدیل شده است. اخیراً تحقیقات تریجیدا و همکاران^{۱۴} (۲۰۱۵) و همچنین سیکا و استیتل (۲۰۱۷)^{۱۵} مدل شرکتی را نقد کرده‌اند و این سوال را مطرح نمودند که آیا در روند گزارشگری شرکت‌ها، حداکثرسازی سود به شکل غیرمتعارف در میان مدت تا بلندمدت قابل مشاهده است یا خیر.

در نهایت، یک رویکرد متمایز واقع‌گرایانه انتقادی یا تفسیرگرایانه در تحقیقات حسابداری اجتماعی قابل توجه است (آنرمن و چپمن، ۲۰۱۴). تفسیرگرایی از فلسفه ارسطویی و هگلی گرفته شده است. این یک چارچوب ارزیابی است و در مورد اقدامات مربوط به افشا و آشکار کردن اطلاعات و اهداف است. برای تحقیقات حسابداری اجتماعی، این موضوع مهم است، زیرا تفسیر باید سناریوهای مختلف ممکن را از متن یا توضیحات داده شده مانند گزارش حسابداری و یادداشت‌های پیوست آن آشکار سازد. بنابراین، تحقیقات حسابداری اجتماعی همراه با تفسیرگرایی، تأثیرات فن‌آوری‌هایی مانند حسابداری را نشان می‌دهد. از طریق تفسیر حسابداری می‌تواند رویدادهای خاص را شناسایی کند، تحقیقات تحقیقات حسابداری اجتماعی را هدایت می‌کند تا مفاهیم مختلفی را ارائه دهد و شاید بینش‌های نهفته برای تغییرات احتمالی را آشکار نماید. از طریق این فرایند ارزیابی، چارچوب تفسیرگرایانه، حسابها، یادداشت‌ها و گزارش‌ها را درباره رابطه بین انسان‌ها و محیط فراهم می‌کند. این ارزیابی از طریق تمایل به ارتباط ما با حواس جدید و ارتباط با محیط بیرون هدایت می‌شود. در ابعاد گسترده، تفسیرگرایی ادعا می‌کند که حسابداری نه تنها روابط استثمارگرانه را می‌پوشاند، بلکه راه تفکر ما به ارزشهای خارج از سیستم‌های موجود را می‌بندد. به عنوان مثال، هنجارهای

سیاسی که توسط میلن و گری^{۱۶} (۲۰۱۳) مطرح شده است، خواستار توضیحات و تفسیرهای مربوط به تعاملات واقعی در محیط طبیعی و با آن هستند. این سیر تحقیقاتی، در بسیاری از جهات، تفسیرگرایانه / واقع‌گرایانه انتقادی هستند و می‌توانند به منظور بررسی و تحقیق در خصوص نقش تحقیقات حسابداری اجتماعی مورد استفاده قرار گیرند.

در تبیین حسابداری اجتماعی عمدتاً به بررسی شاخص‌های اجتماعی پرداخته می‌شود. منظور از شاخص‌های اجتماعی مجموعه اشکالی است گواه بر ارزیابی وضع موجود و جهات آینده (بائو^{۱۷}، ۱۹۹۶). ارزیابی زمینه‌ها و شاخص‌های اجتماعی نیز در جای خود بعنوان پیش‌زمینه فعل و انفعالات اقتصادی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. به عبارت دیگر، شاخص‌ها صرفاً مادی نیستند نظیر ارقامی که با رشد اقتصادی پیوند دارند، بلکه غیرمادی نیز هستند نظیر آنچه که به ارزش‌ها یا اهداف مربوط می‌گردد (گیووانینی^{۱۸} و همکاران، ۲۰۰۹). مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از یک ایده و ایدئولوژی به واقعیت تبدیل شده و به‌عنوان یک بعد مهم برای رویه‌های کسب و کار معاصر تلقی می‌گردد و واحدهای تجاری بزرگ و پیش‌رو، افزایش اهمیت این مقوله را به خوبی درک کرده‌اند و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را به‌عنوان یک عنصر مهم برای بقا و موفقیت خود در قرن بیست و یکم به شمار می‌آورند (حساس یگانه و برزگر، ۱۳۹۳). محیط تجاری کنونی فرصت‌ها و مخاطراتی را برای حسابداری و حسابداران به‌وجود آورده است. با افزایش اهمیت مسائل محیطی، مسئولیت‌های اجتماعی، مدیریت ریسک و گزارشگری، حرفه حسابداری باید تغییر کند (کارنگی^{۱۹} و همکاران، ۲۰۱۰). حال سوال این است که در راستای این تغییرات، آیا پارادایم‌های حسابداری و جامعه‌شناسی نیز هم‌راستا با هم تغییر کرده‌اند؟ به این منظور لازم است ابتدا به بررسی ارتباط موثر بین پارادایم‌های غالب در این دو حوزه بپردازیم.

جدول ۲- تحولات اخیر در تحقیقات حسابداری اجتماعی

نظریه پردازان حسابداری	نظریه
DeVilliers, Van Staden, Baker & Schaltegger	(۱) زمینه کسب و کار
Broadbent, Power, Thomson, Laughlin	(۲) نظریه تکاملی
Cooper, Tregidga, Tinker	(۳) نظریه انتقادی / رادیکال
Dillard, Brown, Milne, Gray	(۴) رئالیسم انتقادی / تفسیرگرایی

۲-۲ ارتباط بین پارادایم های حسابداری و جامعه شناسی

با مطالعه مبانی نظری حسابداری (برای مثال؛ لافتوس^{۲۰} و همکاران، ۲۰۱۶؛ اسکات^{۲۱}، ۲۰۱۵؛ رانکین^{۲۲} و همکاران، ۲۰۱۲؛ ولک^{۲۳} و همکاران، ۲۰۱۱؛ شرودر^{۲۴} و همکاران، ۲۰۰۸؛ بلکویی^{۲۵}، ۲۰۰۴؛ ثقفی، ۱۳۹۲؛ رهنمای رودپشتی و صالحی، ۱۳۸۹)، مشهود است که سه پارادایم فکری در حسابداری شرکتها وجود داشته است که به شرح زیر قابل تبیین می-باشند:

نظریه نخست از تئوریهای کلاسیک اقتصادی نشئت می-گیرد. براساس این مفهوم، شرکت تنها یک هدف دارد و آن، بیشینهسازی سود و متعاقباً، بیشینهسازی ثروت سهامداران است. البته این مفهوم تا جایی پذیرفته شده و مورد تأیید است که در راستای تلاش برای رسیدن به اهداف، چارچوب اخلاقی و حقوقی وجود داشته باشد.

نظریه دوم در دهه ۱۹۷۰ میلادی ارائه گردیده است و بر اساس آن، اهداف اجتماعی در رابطه با به بیشینه رساندن سود مورد توجه قرار می-گیرد. براساس این نظریه، مدیران شرکتها باید تصمیماتی بگیرند که بین حقوق سهامداران، کارکنان، مشتریان و مردم، تعادل ایجاد نماید. بنابراین، باید یک نوع هماهنگی بین منافع و ملاحظات متعدد برقرار گردد و این هماهنگی، تنها راهی است که شرکت را از هدف بیشینهسازی سود در بلندمدت، مطمئن می-سازد.

براساس نظریه سوم، سود نقطه پایانی اهداف موسسات نیست و مدیران اجرایی شرکتها پس از کسب سود، با مشکل خواستههای کارکنان برای افزایش دستمزد، لزوم اجرای طرح-های توسعه، درخواست قیمتهای پایینتر از جانب مشتریان، سود سهام بیشتر برای سهامداران، رعایت مسائل اجتماعی و زیستمحیطی مواجه شوند. در این حالت، تصمیمگیریهای سازمانی لازم است به جای تلاش در راستای بیشینهسازی سود، به دنبال کسب سطح مناسبی باشد که هم طی آن سود کسب شود و هم سطح مطلوبی از اهداف اجتماعی تأمین شود. استدلال بنیادین درباره مسئولیتهای اجتماعی این است که هیچ گروهی نمی-تواند جان سالم به در ببرد اگر منافع شخصی خود را، بدون در نظر گرفتن عواقب اعمال خود بر اجتماع، هدف قرار داده و پیگیری نماید (لینوز^{۲۶}، ۱۹۷۴). به این ترتیب، چگونگی ارزیابی عملکرد و معیارهای آن دگرگون شده و حرکت در مسیر مسئولیتهای اجتماعی و زیستمحیطی عاملی ضروری و حیاتی برای تداوم فعالیت سازمان در بلندمدت شده است، به طوری که نیاز به ارائه اطلاعات مرتبط با

تأثیرات متقابل عملکرد واحدهای تجاری و جامعه، برای تصمیمگیری هرچه بهتر استفادهکنندگان صورتهای مالی، بیش از پیش احساس می-شود. این در حالی است که اصول حسابداری سنتی، مثل مربوط بودن، فرض تعهدی، عینیت، محافظهکاری، تفکیک شخصیت و بهای تمام شده تاریخی در پاسخگویی برای هزینههای اجتماعی و نگرانی برای رفاه بشر ناتوان هستند (سیکا^{۲۷}، ۲۰۱۱).

در راستای کسب شناخت از پارادایمهای جامعهشناسی نیز، سه پارادایم غالب در جامعهشناسی عبارتند از (۱) پارادایم اثباتگرایی یا پوزیتیویستی؛ (۲) پارادایم تفسیرگرایی؛ و (۳) پارادایم انتقادی. در پارادایم نخست، اثباتگرها مدعی هستند پدیدههای موجود در جهان، ویژگیهای واحدی داشته و لذا در مطالعه و تحقیق راجع به هر کدام از این پدیدهها، روش واحدی می-توان به کار برد. بنابراین می-توان از روشهای مطالعهای که در علوم طبیعی به کار می-رود، برای مطالعه پدیدههای اجتماعی نیز بهره برد. در پارادایم دوم، اصول اصلی تفکرات بر مبنای این است که پدیدههای انسانی متفاوت از پدیدههای طبیعی هستند. در واقع پارادایم تفسیری مبتنی بر روشی متفاوت از اثباتگرایی است. پارادایم سوم، رویکرد دیگری از معنای روششناسی را ارائه می-دهد. نسخههایی از این رهیافت عبارت است از مادهگرایی دیالکتیکی، تحلیل طبقاتی و ساختارگرایی. این دیدگاه به طور مستقل نظریه‌ای مانند دو رهیافت قبلی ندارد، بلکه سراسر آن انتقاد به دو تفکر قبلی و به تمام علم جامعهشناسی است. علم اجتماعی انتقادی، با بسیاری از منتقدان رهیافت تفسیری علیه موضع اثباتگرایی موافق است، با این تفاوت که برخی انتقادات دیگری نیز دارد که با برخی از نقطه نظرات تفسیرگرایان مخالف است (رهنمای رودپشتی و همکاران، ۱۳۹۵).

با مطالعه دقیق مبانی نظری پارادایم ها در هر دو حوزه حسابداری و جامعه شناسی می-توان مشاهده کرد که پارادایم-های هر دو رشته علمی حسابداری و جامعهشناسی با طی مسیرهایی مشابه، پارادایمهای منتقدانه و روبه گسترش و افزایش مسئولیتهای حرفه‌ای و علمی را طی کرده‌اند که بررسی دقیق و علمی این تغییر و تحولات مشابه، در مطالعه حاضر صورت گرفت. در جدول ۳ یافته‌های تحقیق درخصوص مقایسه پارادایم های حسابداری و جامعه شناسی با استفاده از رویکرد تحلیل محتوا نشان داده شده است.

جدول ۲- مقایسه پارادایم‌های حسابداری با پارادایم‌های جامعه‌شناسی (منبع: یافته‌های تحقیق)

پارادایم‌های حسابداری	پارادایم‌های جامعه‌شناسی
در نخستین پارادایم فکری در حسابداری، شرکت فقط و فقط یک هدف دارد و آن به حداکثر رسانیدن سود و به تبع آن، حداکثر نمودن ثروت سهامداران است.	از دیدگاه اثبات‌گرایی انسان‌ها موجودی ابزاری، خودخواه و دارای عقلانیت‌اند.
در نخستین پارادایم فکری در حسابداری شرکت‌ها، تنها یک مسئولیت اجتماعی برای مؤسسات وجود دارد که آن هم استفاده از منابع موجود و به‌کارگیری آن‌ها در فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده جهت افزایش سود سهامداران است	از دیدگاه اثبات‌گرایی علم به عنوان یک حوزه جدا و متمایز جامعه است که از ارزش‌های دینی، سیاسی و شخصی رهاست.
طبق دومین پارادایم فکری در حسابداری شرکت‌ها، ملاک ایجاد سود برای سهامداران این است که با حقوق دیگر گروه‌های علاقه‌مند از قبیل مشتریان، کارکنان و ... مرتبط می‌شود.	از دیدگاه تفسیرگرایی انسان اساساً خلاق و آگاه است، می‌تواند معنی بیافریند و دارای اراده و اختیار بوده و موجودی خودخواه و منفعت طلب نیست.
طبق دومین پارادایم فکری در حسابداری شرکت‌ها، توجه به ارزش‌های گروه‌های مختلف اهمیت دارد و باید یک ائتلاف و پیوستگی بین منافع و ملاحظات جهت دستیابی به هدف حداکثر نمودن سود در دراز مدت ایجاد شود	از دیدگاه تفسیرگرایی ارزش‌ها یک بخش محوری در زندگی اجتماعی هستند. در واقع ارزش‌های هیچ گروهی غلط نیست بلکه فقط متفاوت است.
طبق سومین پارادایم فکری در حسابداری شرکت‌ها، تصمیم‌گیری‌های سازمانی لازم است به جای تلاش در راستای بیشینه‌سازی سود، به دنبال کسب سطح مناسبی باشد که هم طی آن سود کسب شود و هم سطح مطلوبی از اهداف اجتماعی تأمین شود.	از دیدگاه انتقادگرایی انسان‌ها منتقد، خلاق و دارای اراده اند و مردم را برای تغییر دنیا به ابزارهای موردنیاز مجهز می‌کند؛ دنیایی که در آن نابرابری نباشد.
طبق سومین پارادایم فکری در حسابداری شرکت‌ها، مسئولیت مؤسسات تجاری در قبال تمامی افراد ذی‌نفع بوده و باید تصمیمات سازمانی بر اساس آن دسته از راه‌کارهایی که در اجتماع مسئولیت بیشتری را بوجود می‌آورد اتخاذ گردد.	صاحب‌نظران پارادایم انتقادگرایی به وجود واقعیت اجتماعی اذعان دارند و ناخرسندی خود را از ساختار سلطه حاکم بر جوامع اظهار می‌کنند.
طبق تئوری اقتصاد سیاسی از تئوری‌های سومین پارادایم فکری در حسابداری شرکت‌ها، جامعه، سیاست و اقتصاد از یکدیگر غیرقابل تفکیک هستند و ارزش‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر همدیگر تأثیر می‌گذارند.	در سراسر پارادایم انتقادگرایی ارزش‌ها حاکم است و معتقدند که از میان ارزش‌ها، آن‌هایی درست است که در جهت درک نابرابری و رفع نابرابری ما باشد.

۲-۳- پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی که به طور مستقیم به بررسی ارتباط حسابداری و جامعه‌شناسی از منظر پارادایم‌ها و تئوری‌ها بپردازد، انجام نشده است. اما با توجه به موضوع کلی پژوهش می‌توان مهم‌ترین مطالعاتی که در حوزه جامعه‌شناسی حسابداری صورت گرفته را مورد بررسی قرار داد.

چوآ^{۲۸} (۱۹۸۸) در پژوهشی انتقادی به بررسی تحقیقات حسابداری مدیریت از نگاه جامعه‌شناسی تفسیری پرداخت. وی به مطالعه ارتباط حسابداری و روابط سازمانی و زمینه‌های مرتبط با آن پرداخت. وی اظهار کرد که تحلیل‌های دقیق و عمیق تری با دید جامعه‌شناسی و قوم‌شناسی لازم است تا بتوان روابط آزمون‌پذیر درخصوص فرایندهای حسابداری مدیریت را توسعه داد.

هینس^{۲۹} (۱۹۸۹) مقاله‌ای با عنوان پارادایم سیاسی-جامعه‌شناختی در تحقیقات حسابداری مالی ارائه نمود. به عقیده وی اثربخشی فرایندهایی که بازگوکننده یک واقعیت هستند، عمدتاً برگرفته از زمان، شیوه تفکر و جامعه‌ای است که ساختارهای مربوطه در آن شکل گرفته‌اند. بنابراین لازم

است تا مفروضات و پارادایم‌های حسابداری به سمتی حرکت کند که نقش اجتماعی و سیاسی حسابداری را بازگو و مطرح سازد. براساس مطالعه‌ای که وی انجام داد، این نظر مورد انتقاد قرار گرفته و با واکنش خوبی از سوی اندیشمندان مواجه نشد. اما وی معتقد است که لازم است به نقش رویه‌های حسابداری در ساختار جامعه توجه شود و این امر در تحقیقات حسابداری مدنظر قرار گیرد.

مانگوس و لوئیس^{۳۰} (۱۹۹۵) در پژوهشی به انتقاد از فقدان مطالعات حسابداری در محیط اجتماع پرداختند که منجر به عدم تحلیل عوامل اجتماعی اثرگذار بر انتخاب‌های حسابداران مدیریت می‌شود. آنها ضرورت ایجاد یک پارادایم اجتماعی-اقتصادی را مطرح نمودند که توجه ویژه به گزارشگری اجتماعی شرکت داشته باشد. به عقیده آنها گسترش نظریه حسابداری با توجه به متغیرهای اجتماعی اثرگذار، می‌تواند به بهبود عملکرد اجتماعی-اقتصادی کمک کند.

کووالسکی^{۳۱} و همکاران (۱۹۹۶) در مطالعه‌ای به بررسی نقش تئوری‌های سازمانی و جامعه‌شناختی در تحقیقات

که تفکر پسامدرن و پساساختاری می تواند از سایر دیدگاه ها موثرتر واقع شود.

توئیدی^{۳۷} (۲۰۱۸) در مقاله ای به بررسی مروری و تحلیلی بکارگیری تئوری انتقادی اکسل هونته در تحقیقات حسابداری انتقادی در مکتب فرانکفورت پرداخت. نظریه انتقادی فرانکفورت قصد دارد تا هنجارهای منطقی قابل دفاع را از نگاه اجتماعی در حال تغییر هستند و یا می توانند بر تغییرات اجتماعی اثرگذار باشند، مورد بررسی دقیق قرار دهد. تئوری انتقادی هانس می تواند بی عدالتی های اجتماعی را که حسابداران در آن نقش دارند شناسایی نماید.

رهنمای رودپشتی و همکاران (۱۳۹۳) به مطالعه مدرنیته و حسابداری مدیریت پرداختند. آنان در پژوهش خود از پرسشنامه و رویکرد پیشمایشی استفاده نمودند. ضمناً از داده های مقطعی مبتنی بر پرسشنامه استفاده شد. نتایج پژوهش آنان نشان می دهد حسابداری مدیریت به عنوان یک علم با ورود بنگاه های اقتصادی به دوره مدرن تکامل یافته است و ظهور تکنیک های حسابداری مدیریت ناشی از فعالیت بنگاه های اقتصادی در محیط مدرن می باشد.

رهنمای رودپشتی و مرتضوی (۱۳۹۵) به توسعه دانش حسابداری مدیریت بر بستر علم جامعه شناسی پرداختند. آنان در پژوهش خود از پرسشنامه و رویکرد پیشمایشی استفاده نمود. ضمناً از داده های مقطعی مبتنی بر پرسشنامه استفاده شد. بخش نتیجه گیری ضمن اشاره به مزیت های بکارگیری دیدگاه جامعه شناسی در تحقیق حسابداری مدیریت، پیشنهاداتی جهت ایجاد ارتباط بین تحقیق حسابداری مدیریت و جامعه شناسی ارائه می دهد.

خواجهوی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی و مقایسه نظریه دامنه و نظریه روش در پژوهش های حسابداری مدیریت با تاکید بر نظریه کنشگر- شبکه با استفاده از رویکرد پیمایشی پرداختند. تعامل بین نظریه های دامنه و نظریه های روش موجب افزایش شتاب پیشرفت این نظریه ها می شود. از اینرو، تعامل بین آنها می تواند موجب بروز تاثیرات بلندمدت شود، به خصوص از طریق وسیع کردن مرزهای دامنه موضوعات نظری.

۳- روش شناسی پژوهش

از آنجا که هدف این پژوهش بررسی جامعه شناسی حسابداری از منظر پارادایم ها؛ به منظور توسعه دانش است، لذا فقط افراد خبره می توانند به عنوان جامعه مورد مطالعه مدنظر قرار گیرند. جامعه آماری این پژوهش، شامل اساتید برجسته رشته حسابداری کشور می باشد. به منظور اخذ نتایج

حسابداری مدیریت پرداختند. هدف مقاله نقد نظریه های سازمانی و جامعه شناسی است که در تحقیقات حسابداری مدیریت به منظور تسهیل درک و استفاده پژوهشگران و اندیشمندان حسابداری استفاده می شود. آنها در کار خود ضمن بررسی تحقیقات حسابداری مدیریت، بی نظمی های موجود در مبانی نظری از دیدگاه سازمانی را مورد بررسی قرار دادند.

گری^{۳۲} (۲۰۰۲) در پژوهشی به بررسی دوره ۲۵ ساله حسابداری اجتماعی با توجه به نقش حسابداری پرداخت. تغییرات صورت گرفته در بازه زمانی مورد بررسی نشان دهنده اهمیت حسابداری اجتماعی است. هدف، بیان این موضوع است که حسابداری اجتماعی به بهترین شکل باید بیانگر عملکرد اجتماعی شرکت ها باشد و بنابراین توجه به تعاملات و به روزرسانی ها در این حوزه اجتناب ناپذیر است.

بارلو و رنه داد^{۳۳} (۲۰۰۳) در پژوهشی به نقش حسابداری و گزارشگری عادلانه در مدیریت شرکتها پرداختند. طبق نظر آنها توسعه استانداردهای حسابداری بیانگر این است که حسابداری هزینه های تاریخی باید با پارادایم حسابداری ارزش منصفانه جایگزین شود و علاوه بر آن باید اطلاعات مربوط به عملکرد اجتماعی به صورت شفاف گزارش شود تا از این طریق عملکرد نظارت بهبود یابد و اطلاعات مفیدتری در اختیار استفاده کنندگان قرار گیرد.

مادل^{۳۴} (۲۰۱۰) در پژوهشی به بررسی نقش روشهای ترکیبی در استفاده از پارادایم های مختلف در تحقیقات حسابداری مدیریت پرداخت. به عقیده وی با توجه به مشکلاتی که در بکارگیری پارادایم های تفسیری و انتقادی وجود دارد، بهتر است از ترکیبی از این دو به عنوان یک استراتژی جایگزین و یک تعادل بین پارادایمی بهره گرفت.

ریچاردسون و آنیسته^{۳۵} (۲۰۱۱) در پژوهشی به معرفی و تفسیر بینش جامعه شناسی ارزش پرداختند. آنها به بررسی اصول اساسی جامعه شناسی نوین پرداخته و تفسیری از مطالعات انجام شده درخصوص حسابداری هزینه ها از بعد جامعه شناسی ارائه نمودند. بررسی آنها نشان داد که رویکرد عملگرایانه در زمینه حسابداری، می تواند به عنوان پلی بین نظریه نهاد و نظریه عملگرایی باشد.

هاسارد و ولفرام^{۳۶} (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی نقش پارادایم های جامعه شناسی در کمک به تجزیه و تحلیل سازمانی پرداختند. آنها ابتدا به بررسی مدل بول و مورگان پرداختند و سپس پیشنهاد کردند که از یک پارادایم پسامدرن در غالب تفکر خلاق استفاده نمود. این دو محقق با بررسی تحقیقات مختلف با تاکید بر نظریه شبکه کنشگر، بیان کردند

تحلیل داده‌های مناسب برای تحقیقات اکتشافی، تحلیل محتوا است.

جهت بررسی مبانی نظری پارادایم‌های حسابداری و جامعه‌شناسی از روش کتابخانه‌ای و پژوهش موردی استفاده می‌شود. سپس با توجه به ادبیات پیشین، فرضیه‌ها مطرح و روابط آن‌ها از طریق پژوهش پیمایشی و پرسشنامه تعیین شد. برای تنظیم سوالات پرسشنامه پس از مطالعه ابعاد مختلف موضوع مورد بحث، با کمک دو گروه متشکل از اساتید باسابقه و خبره حسابداری و جامعه‌شناسی پرسشنامه محقق ساخته طراحی گردید. برای آزمون اعتبار ساختاری از نظرات متخصصان و تعدادی از اساتید خبره رشته حسابداری استفاده شده است. به دلیل عدم شناسایی مشکلات مفهومی توسط ایشان، اعتبار ساختاری پرسشنامه تأیید گردید. برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده می‌شود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS21 استفاده شده است.

۴- فرضیه‌های پژوهش

مطالعات بین رشته‌ای به طور کلی به سمت درک کامل تر از تئوری و عمل حسابداری و نهاد اجتماعی وسیع حسابداری هدایت می‌شود (رسلندر و دیلارد^{۳۸}، ۲۰۰۳). علیرغم بسیاری از ضعف‌ها و انتقادهایی که به پژوهش‌های حسابداری اجتماعی و پیشرفت آن وارد است، تحقیقات جایگزین انتقادی به طور فزاینده‌ای در حال افزایش است. راهکار پیشنهاد شده برای توسعه حسابداری اجتماعی این است که هر دو حوزه به فکر روش‌هایی باشند که بتوانند از تئوری سازی ثروت بیشتری کسب کنند و به طور همزمان گسترش یابند که لازمه این امر تعامل بیشتر این دو حوزه از دانش است (گری^{۳۹}، ۲۰۰۲). از آنجا که به لحاظ جامعه‌شناسی روش زندگی افراد همواره در معرض تغییر است، پیش بینی شاخص‌های اجتماعی یا به تعبیری حسابداری اجتماعی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. از این رو، امروزه باید ارتباط نزدیک و معناداری بین جامعه‌شناسی و حسابداری برقرار گردد (شیخی، ۱۳۹۱). بنابر این در راستای یافتن پاسخی برای پرسش اول این پژوهش، فرضیه اول به صورت زیر طرح گردید:

(۱) بین دو زمینه جامعه‌شناسی و حسابداری ارتباط موثر وجود دارد.

تحقیقات حسابداری مدیریت که نظریه‌های سازمانی یا جامعه‌شناسی را برای بررسی توسعه و تغییر در شیوه‌های حسابداری مدیریت مورد بررسی قرار می‌دهند به طور واضح مسائل مربوط به کنترل اجتماعی و هماهنگی در

بهتر اولویت در ارسال پرسشنامه، بهره‌گیری از نظرات اساتید با سابقه و درجه علمی بالا بوده است (اولویت با اساتید با مرتبه علمی استاد و دانشیار و سابقه ۱۵ سال به بالا بوده است).

چون حجم جامعه آماری مشخص نیست و اطلاعاتی از واریانس جامعه در دسترس نیست، از فرمول کوکران برای تعیین اندازه نمونه استفاده شده است. همچنین چون از پرسشنامه با طیف لیکرت ۵ درجه استفاده شده است، بزرگ‌ترین مقدار ۵ (بسیار قوی) و کوچک‌ترین مقدار ۱ (بسیار ضعیف) بود. بنابراین برای انحراف معیار می‌توان از مقدار ۰/۶۶ استفاده کرد. این مقدار بیشینه انحراف معیار است. همچنین سطح اطمینان ۹۵٪ و دقت برآورد ۰/۰۱ در نظر گرفته شده است. بنابراین حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۱۷۰ نفر محاسبه گردیده است. از آنجا که امکان تهیه فهرستی از اعضای جامعه آماری و نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده وجود ندارد، نمونه مورد نظر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده است. به منظور دریافت نتایج بهتر تعداد ۳۰۰ پرسشنامه بین اساتید رشته حسابداری توزیع گردید که در نهایت تعداد ۱۹۶ پرسشنامه دریافت گردید که ۲۶ مورد از آنها به دلیل عدم پاسخگویی کامل به سوالات و یا دارا نبودن معیارهای مورد نیاز جهت پاسخگویی حذف گردید و در نهایت ۱۷۰ مورد به عنوان مبنای آزمون فرضیات مورد استفاده قرار گرفت.

$$n = (z_{\alpha/2} * \sigma / \epsilon)^2$$

$$\sigma = (\max(x_i) - \min(x_i)) / 6$$

$$Z_{\alpha/2} = 1/96, \epsilon = 0/01, \sigma = 0/66 \Rightarrow n = 170$$

۳-۱- نوع و روش پژوهش

این تحقیق با توجه به ماهیت از نوع تحقیقات کاربردی است زیرا هدف آن توسعه دانش و آگاهی در زمینه حسابداری است. همچنین برحسب روش از نوع توصیفی، تجربی و میدانی است. در روش توصیفی هدف، توصیف واقعی و منظم یک موقعیت است. به عبارت دیگر محقق سعی دارد تا آنچه هست را بدون هیچ گونه دخالت یا استنتاج ذهنی گزارش دهد و نتایج عینی از موقعیت بگیرد. از آنجا که این تحقیق در محیط واقعی یعنی جامعه حسابداران حرفه‌ای انجام شده، جزو تحقیقات میدانی است. در این مطالعه، در گام نخست از رویکرد تحلیل محتوا برای بررسی جوانب موجود در راستای دستیابی به اهداف پژوهش کمک گرفته می‌شود. این بخش از تحقیق با توجه به هدف پژوهش، از نوع اکتشافی است و روش

جامعه شناسی و در راستای یافتن پاسخی براس سوال دوم پژوهش، به صورت زیر طرح گردید:
 ۲) بین جهت حرکت پارادایم های حسابداری و پارادایم های جامعه شناسی به سمت رویکردهای جمع گرایانه، ارتباط معناداری وجود دارد.

۵- یافته های پژوهش

۵-۱- آمار توصیفی پژوهش

جدول شماره ۴ توزیع افراد نمونه را نشان می دهد. براساس نتایج جدول سطح تحصیلات پاسخگویان، ۲۸/۸ درصد دانشجوی دکتری، ۷۱/۲ درصد دکتری می باشد. سن ۳۴/۷ درصد پاسخگویان زیر ۳۵ سال، ۴۴/۱ درصد ۳۵ تا ۴۰ سال و ۲۱/۲ درصد ۴۰ سال و بالاتر می باشد. ۷۸/۲ درصد پاسخگویان مرد و ۲۱/۸ درصد زن هستند.

نتایج جدول ۵ نشانگر وضعیت مربوط به شاخص های توصیفی شاخص های مورد مطالعه برای ارتباط بین دو زمینه جامعه شناسی و حسابداری می باشد.

نتایج جدول ۶ نشانگر وضعیت مربوط به شاخص های توصیفی شاخص های مورد مطالعه برای ارتباط جهت حرکت پارادایم های جامعه شناسی و پارادایم های فکری در حسابداری پرداخته شده است.

سازمانها را به رسمیت شناخته اند (هاسارد و ولفرام، ۲۰۱۳). تنوع در رویکردهای مطرح در تحقیقات حسابداری و به طور خاص مطالعات بین رشته ای در حسابداری بیانگر این است که گرایش به سمت تحقیقات کاربردی در دنیای واقعی روز به روز بیشتر می شود (بیسمان^{۴۰}، ۲۰۱۰). بررسی و تحلیل تجربی مطالعات مربوط به مسئولیت اجتماعی و عملکرد شرکتها نشاندهنده گرایش به سمت حسابداری اجتماعی است. این امر با گسترش نظریه حسابداری اثباتی به سمت متغیرهای اجتماعی، به توسعه تحقیقات اجتماعی-اقتصادی کمک می کند (مانگوس و لوییس، ۱۹۹۵). مطالعه ساختارهای واقع گرایانه، نقش اجتماعی و سیاسی حسابداری را در شکل گیری واقعیت های اجتماعی نشان می دهد (هینس، ۱۹۸۹). بنابراین پارادایم های تحقیقاتی باید در حوزه تحقیقات اجتماعی مطرح شوند تا جزئیات بیشتری را با توجه به عوامل سازمانی و روش های تحلیل اطلاعات سازمان ها مورد مطالعه قرار دهند (وایونی^{۴۱}، ۲۰۱۲). بنابراین بررسی پارادایم های مطرح در حسابداری از این منظر که آیا دید جامعه شناسانه در تغییرات آنها در گذر زمان موثر بوده است یا خیر، می تواند نقش بسزایی در توسعه دانش و جهت دهی به مطالعات بعدی در این حوزه داشته باشد. لذا فرضیه دوم با مطالعه مبانی موجود و به منظور بررسی چگونگی ارتباط پارادایم های حسابداری و

جدول ۴- توزیع پاسخگویان بر حسب متغیرهای زمینه ای

نام متغیر	گروهها	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
سطح تحصیلات	دکتری	۱۲۱	۷۱/۲	۷۱/۲
	دانشجوی دکتری	۴۹	۲۸/۸	۱۰۰
سن	زیر ۳۵ سال	۵۹	۳۴/۷	۳۴/۷
	۳۵ تا ۴۰ سال	۷۵	۴۴/۱	۷۸/۸
	۴۰ سال و بالاتر	۳۶	۲۱/۲	۱۰۰
جنسیت	مرد	۱۳۳	۷۸/۲	۷۸/۲
	زن	۳۷	۲۱/۸	۱۰۰

جدول ۵- شاخص های توصیفی شاخص های مورد مطالعه برای ارتباط بین دو زمینه جامعه شناسی و حسابداری

شاخص های پژوهش	بسیار ضعیف	ضعیف	معمولی	قوی	بسیار قوی
ارتباط بیشینه سازی سود در راستای بیشینه سازی ثروت سهامداران در حسابداری و ذره گرایی در جامعه شناسی	۱۱/۷	۱۴/۸	۱۵/۳	۲۰	۳۸/۲
ارتباط بیشینه سازی سود در راستای بیشینه سازی ثروت سهامداران در حسابداری و کل گرایی در جامعه شناسی	۸/۸	۱۱/۷	۲۱/۲	۳۵/۹	۲۲/۴
ارتباط بیشینه سازی سود در راستای تعادل بین حقوق سهامداران، کارکنان، مشتریان و مردم در حسابداری و ذره گرایی در جامعه شناسی	۱۰	۹/۴	۱۶/۵	۳۲/۴	۳۱/۸
ارتباط بیشینه سازی سود در راستای تعادل بین حقوق سهامداران، کارکنان، مشتریان و مردم در حسابداری و کل گرایی در جامعه شناسی	۱۰	۱۶/۵	۱۴/۱	۲۱/۸	۳۷/۶

بسیار قوی	قوی	معمولی	ضعیف	بسیار ضعیف	شاخص‌های پژوهش
۲۳/۵	۳۴/۷	۲۲/۴	۱۳/۵	۵/۹	ارتباط ایده کسب سود در کنار تأمین اهداف اجتماعی در حسابداری و ذره‌گرایی در جامعه‌شناسی
۳۲/۹	۳۹/۴	۲۳/۵	۴/۱	.	ارتباط ایده کسب سود در کنار تأمین اهداف اجتماعی در حسابداری و کل‌گرایی در جامعه‌شناسی

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۶- شاخص‌های توصیفی شاخص‌های ارتباط جهت حرکت پارادایم‌های جامعه‌شناسی و پارادایم‌های فکری در حسابداری

بسیار قوی	قوی	معمولی	ضعیف	بسیار ضعیف	شاخص‌های پژوهش
۵۲/۹	۳۴/۱	۷/۱	۲/۹	۲/۹	ارتباط جهت حرکت پارادایم اثبات‌گرایی و نخستین پارادایم حسابداری بر مبنای ماهیت وجودی انسان
۱۷/۶	۳۷/۶	۳۰	۴/۱	۱۰/۶	ارتباط جهت حرکت پارادایم اثبات‌گرایی و نخستین پارادایم حسابداری بر مبنای فارغ از ارزش بودن علم
۳۶/۵	۲۰	۱۴/۷	۱۷/۱	۱۱/۸	ارتباط جهت حرکت پارادایم تفسیرگرایی و دومین پارادایم حسابداری بر مبنای ماهیت وجودی انسان
۴۳/۵	۳۰	۲۴/۱	۲/۴	.	ارتباط جهت حرکت پارادایم تفسیرگرایی و دومین پارادایم حسابداری بر مبنای فارغ از ارزش بودن علم
۴۲/۳	۲۱/۸	۱۲/۹	۶/۵	۱۶/۵	ارتباط جهت حرکت پارادایم انتقادگرایی و سومین پارادایم حسابداری بر مبنای ماهیت وجودی انسان
۲۷/۱	۳۹/۴	۱۶/۵	۲/۹	۱۴/۱	ارتباط جهت حرکت پارادایم انتقادگرایی و سومین پارادایم حسابداری بر مبنای مسئولیت اجتماعی
۳۶/۵	۲۷/۱	۱۲/۴	۱۱/۸	۱۲/۴	ارتباط جهت حرکت پارادایم انتقادگرایی و سومین پارادایم حسابداری بر مبنای فارغ از ارزش بودن علم

منبع: یافته‌های تحقیق

۵-۲- آزمون فرضیه‌های تحقیق

در این پژوهش به منظور بررسی فرضیه‌ها، به آزمون داده‌های گردآوری شده از طریق پرسشنامه، با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای و نرم‌افزار SPSS21 پرداخته شده است. فرضیه اول: بین دو زمینه جامعه‌شناسی و حسابداری ارتباط مؤثر وجود دارد.

نتایج جدول شماره ۷ نشان می‌دهد در تمامی گویه‌های مطرح شده، میانگین ارتباط بین متغیرهای مورد بررسی بیشتر از میانگین مورد انتظار (برابر با ۳) است. بنابراین فرضیه اول تأیید می‌گردد و می‌توان گفت بین دو زمینه جامعه‌شناسی و حسابداری ارتباط مؤثر وجود دارد.

در بحث و بررسی درباره بیشینه‌سازی ارزش بنگاه‌های اقتصادی و تحلیل ضرورت صورت بندی هدف و آرمان نهایی بنگاه‌ها برپایه این مفهوم، لازم است این موضوع نیز در نظر گرفته شود که برپایه مفاهیم منطقی، امکان بیشینه‌سازی ارزش‌ها در بیش از یک بُعد به صورت همزمان وجود ندارد؛ مگر آنکه ابعاد مورد بررسی تابعی از قاعده تبدیل‌های یکنواخت

ابعاد باشند. بنابراین طرح تقاضای بیشینه سازی همزمان سود تمام افراد و گروه‌های مشارکت کننده در فعالیت‌های آن را می توان با نظریه ذره‌گرایی در جامعه‌شناسی در ارتباط دانست. زیرا از منظر ذره‌گرایی در جامعه‌شناسی، هیچ خاصیتی در موجودات وجود ندارد که اجزایش، آن خاصیت را نداشته باشند؛ از این رو با شناخت ویژگی‌های عناصر و اجزای هر شی یا پدیده ای اعم از طبیعی و اجتماعی می توان به خاصیت کلی آن پدیده دست یافت. از طرف دیگر بر پایه نظریه صاحبان نفع، هر بنگاه اقتصادی باید به منافع و علایق تمام افراد و گروه‌های مشارکت کننده در فعالیت‌های آن توجه ویژه‌ای داشته باشد. در این چارچوب، نظریه صاحبان نفع به طور کامل منطقی و قابل دفاع است. در حقیقت، در محدوده تعریف ارائه شده، نظریه صاحبان نفع با مفهوم بیشینه سازی ارزش و رفتار ارزش جو در شرکت کاملاً سازگاری دارد؛ چرا که در هر دو عرصه بر توجه به افراد و گروه‌های اثرگذار بر ارزش شرکت تأکید و تمرکز می‌شود. اما با این حال، ابعاد ارائه شده تنها یک جنبه از نظریه صاحبان نفع را آشکار می‌کند. هر نظریه در زمینه

اقتصادی ارائه کرد. بدیهی است که هر معیار تصمیم‌گیری و تابع هدف وابسته به آن، باید به طور مشخص شیوه برقراری موازنه میان منافع و علائق این افراد و گروه‌ها و تقاضاهای متفاوت و حتی متضاد آنها را تبیین کند. از سوی دیگر از منظر کل‌گرایی در جامعه‌شناسی، بدون وجود جامعه، افراد، هویتی از خود ندارند. این جامعه است، که تعیین می‌کند اعضا، چگونه با یکدیگر رفتار کرده و چه رابطه‌ای باهم داشته باشند. جامعه-شناسان کل‌گرا اصرار دارند که پدیده‌های اجتماعی باید در سطح تحلیلی کلان و مستقل خودشان، مطالعه شوند. فرد تنها به واسطه قرار گرفتنش در یک بافت اجتماعی می‌تواند شناخته شود نه از طرق دیگر. اوصاف و خصایل افراد، صرفاً تابعی از جایگاه آنان در جامعه یا نظامات معنایی است. در بین مطالعات داخلی، تاکنون مطالعه‌ای در ارتباط با این فرضیه، انجام نگرفته شده است ولی نتیجه تأیید این فرضیه با بخشی از پژوهش جنسن (۲۰۱۱) سازگار است.

تصمیم‌گیریهای مالی در عرصه شرکت باید شیوه‌گزینش از میان منافع و علائق افراد و گروه‌های مشارکت‌کننده در فعالیت‌های آن را که از منافع رقیب و حتی متضاد نیز برخوردارند، برای مدیران و اعضای هیئت مدیره روشن سازد. مشتریان شرکت دستیابی به محصولات و خدمات مورد تقاضای خود در سطح پایینترین قیمت را خواهند؛ کارکنان شرکت در پی کسب حقوق و دستمزد بیشتر، محیط کار با کیفیت‌تر، مزایای شغلی مناسبتر شامل تعطیلات، مزایای درمانی و حقوق بازنشستگی هستند؛ تامین‌کنندگان منابع مالی و سرمایه شرکت نیز به تحمل مخاطره اندک و دستیابی به بازده بالا تمایل دارند؛ و اتحادیه‌ها و جوامع ملی و محلی نیز به نوبه خود خواهان مشارکت هرچه گسترده‌تر شرکت در امور خیریه، انجام مخارج اجتماعی جهت یاری رساندن به یکایک افراد جامعه، افزایش سرمایه‌گذاری‌های محلی و ثبات وضعیت اشتغال می‌باشند؛ و تحلیل‌های دامنه دار مشابهی را نیز می‌توان در مورد سایر افراد و گروه‌های مشارکت‌کننده در فعالیت‌های بنگاه

جدول ۷. آزمون t تک نمونه‌ای جهت بررسی ارتباط دو زمینه حسابداری و جامعه‌شناسی

میانگین مورد انتظار = ۳				انحراف معیار	میانگین اصلی	سوالات فرضیه اول
اختلاف میانگین	سطح معنی داری	d.f	t			
۰/۶	۰/۰۰۰	۱۶۹	۳۳/۶۵	۱/۳۹	۳/۶	سوال ۱
۰/۵۵	۰/۰۰۰	۱۶۹	۴۰/۲۳	۱/۱۵	۳/۵۵	سوال ۲
۰/۶۶	۰/۰۰۰	۱۶۹	۳۷/۱۲۹	۱/۲۹	۳/۶۶	سوال ۳
۰/۶	۰/۰۰۰	۱۶۹	۳۳/۸۲	۱/۳۹	۳/۶	سوال ۴
۰/۵۶	۰/۰۰۰	۱۶۹	۴۰/۰۳	۱/۱۶	۳/۵۶	سوال ۵
۱/۰۱	۰/۰۰۰	۱۶۹	۶۱/۰۷	۰/۸۶	۴/۰۱	سوال ۶

منبع: یافته‌های تحقیق

مجهز کند؛ دنیایی که در آن نابرابری نباشد. از طرف دیگر در نخستین پارادایم فکری در حسابداری شرکت‌ها، شرکت فقط و فقط یک هدف دارد و آن به حداکثر رسانیدن سود و به تبع آن، حداکثر نمودن ثروت سهامداران است ولی طبق سومین پارادایم فکری در حسابداری شرکت‌ها، تصمیم‌گیری‌های سازمانی لازم است به جای تلاش در راستای بیشینه‌سازی سود، به دنبال کسب سطح مناسبی باشد که هم طی آن سود کسب شود و هم سطح مطلوبی از اهداف اجتماعی تأمین شود. بنابراین همان‌طوری که پارادایم‌های جامعه‌شناسی از پارادایم اثبات‌گرایی یا پوزیتیو به پارادایم انتقادی حرکت کرده‌اند، پارادایم‌های حسابداری نیز از رویکردهای سنتی فردگرایانه به رویکردهای نوین جامعه و اجتماع گرایانه حرکت کرده‌اند.

فرضیه دوم: بین جهت حرکت پارادایم‌های حسابداری و جامعه‌شناسی به سمت رویکردهای جمع‌گرایانه، رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج جدول شماره ۸ نشان می‌دهد در تمامی گویه‌های مطرح شده، میانگین ارتباط بین متغیرهای مورد بررسی بیشتر از میانگین مورد انتظار (برابر با ۳) است. بنابراین فرضیه دوم تحقیق تأیید می‌شود و می‌توان گفت بین جهت حرکت پارادایم‌های حسابداری با پارادایم‌های جامعه‌شناسی ارتباط معناداری وجود دارد.

از دیدگاه اثبات‌گرایی در جامعه‌شناسی انسان‌ها موجودی ابزاری، خودخواه و دارای عقلانیت‌اند ولی از دیدگاه انتقادگرایی انسان‌ها منتقد، خلاق و دارای اراده، اما سازگارند. این پارادایم می‌خواهد مردم را برای تغییر دنیا به ابزارهای موردنیاز

جدول ۸- آزمون t تک نمونه‌ای جهت بررسی ارتباط بین جهت حرکت پارادایم‌های حسابداری با پارادایم‌های جامعه‌شناسی

سوالات فرضیه دوم	میانگین اصلی	انحراف معیار	میانگین مورد انتظار = ۳		
			t	d.f	سطح معنی داری
سوال ۱	۴/۴۳	۰/۸۹	۶۴/۴۶	۱۶۹	۰/۰۰۰
سوال ۲	۳/۴۸	۱/۱۵	۳۹/۳۴	۱۶۹	۰/۰۰۰
سوال ۳	۳/۵۲	۱/۴۳	۳۲/۱۸	۱۶۹	۰/۰۰۰
سوال ۴	۴/۱۵	۰/۸۷	۶۲/۲۹	۱۶۹	۰/۰۰۰
سوال ۵	۳/۳۲	۱/۳۶	۳۱/۸۹	۱۶۹	۰/۰۰۰
سوال ۶	۳/۶۲	۱/۳۰	۳۶/۳۲	۱۶۹	۰/۰۰۰
سوال ۷	۳/۶۳	۱/۳۹	۳۳/۹۵	۱۶۹	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

۶- خلاصه و نتیجه‌گیری

بخش نخست مطالعه حاضر با استفاده از مرور ادبیات صورت گرفته است. با مطالعه تحقیقات صورت گرفته در حوزه تحقیقات حسابداری اجتماعی، ضرورت انجام مطالعات گسترده تر در علوم اجتماعی در این خصوص بیش از گذشته احساس می‌شود تا از طریق نتایج بدست آمده بتوان تاثیر عمیقی بر سیاست و رویه عمل این رشته فکری ایجاد کرد. در این مقاله، چهار دیدگاه در تحقیق تحقیقات حسابداری اجتماعی ارائه شده است. هر یک از چهار دیدگاه که در چارچوب ارائه شده این مقاله مورد استفاده قرار گرفت، فرصتهای متمایزی برای توسعه تحقیقات حسابداری اجتماعی ایجاد می‌کند. این مشارکت بالقوه می‌تواند از طریق گسترش مرزهای تحقیقات حسابداری اجتماعی فراتر از تمرکز کنونی بر کسب و کار، امکان تعامل جامع تر با مسائل پیچیده جهانی را فراهم نماید. برای روشن شدن بیشتر این چارچوب، باید تحقیقات بیشتری با در نظر گرفتن تغییرات سیاست جهانی انجام شود. سیاست اخیر اقتصادی و خارجی ایالات متحده امریکا تنش رو به افزایشی را بین فشارها برای جهانی شدن و سیاست و مقاومت اقتصادی کشورها نشان داده است. از دیدگاه تجاری، دامنه‌ای برای بررسی شرکت‌ها وجود دارد تا چگونگی انطباق آنها با تغییر چشم انداز اجتماعی-سیاسی و پیامدهای آن در حسابداری اجتماعی و همچنین گزارشگری را ارزیابی نماید. پس از گسترش این موضوع، از دیدگاه تکاملی، تحقیقات حسابداری اجتماعی می‌تواند موفقیت‌ها و چالش‌های حسابداری اجتماعی را در پاسخ به چالش بین جهانی شدن و حمایت از تولیدات داخلی ارزیابی کند. از این دیدگاه، تحقیق می‌تواند راهکارهایی را جستجو کند که از طریق آن مؤسسات بخش دولتی، سازمان‌های غیردولتی و سایر نهادها بتوانند به شکل مناسبتری برای ارائه «حسابداری

جدید» یکپارچه شوند. چنین تحقیقی می‌تواند پیشنهادات هنجاری را برای ارتقای مشارکت بین کسب و کار، جامعه و محیط زیست ایجاد کند. بنابراین، این حوزه از تحقیق می‌تواند به صورت پلی باشد که به شکل قابل توجهی، حسابداری را در مسیر قرار گرفتن در اقتصاد سیاسی جهانی قرار دهد. مطالعات تفسیرگرایانه امکان تعامل اساسی بین «خود» و «دیگران» را در تلاش برای درک حسابداری و پاسخگویی در جهان در حال تغییر فراهم می‌کند. این روش پژوهشی به دنبال کشف آن است که ماهیت حسابداری را در تقابل با موضوع انسانیت در یک پدیده خاص اجتماعی، فرهنگی، سیاسی یا محیطی توضیح دهد. در چنین مطالعات تفسیرگرایانه‌ای، بررسی‌های زیادی درخصوص مشکلات جهانی شدن و یا انزوایی صورت می‌گیرد. در مداومت برای جستجوی مشکل، "راه حل‌های موقت" که در فرآیند تفسیرگرایی وجود دارند، ممکن است خود آنها در ادامه مشکلات جدیدی را در مسیر تحقیقات مربوطه ایجاد نمایند. این مساله ما را به راه‌های جدیدی برای مشاهده مباحث اثرگذار موجود در محیط پیرامون سوق می‌دهد، به عنوان مثال، بحران جهانی پناهندگان و ظهور تروریسم جهانی (که هر دو عواقب و از اهداف گرایش‌های ناسیونالیستی هستند که جهان شاهد آن است). چنین موردی ممکن است به طور مداوم به توسعه حسابداری و روشن کردن مسیرهای جدید برای بشریت جهت ارتباط با خود و با محیط پیرامون خود منجر شود.

دیدگاه‌های رادیکال / انتقادی به ما این امکان را می‌دهند که نقد و پیشنهادات جایگزینی را که در خارج از سیستم فعلی هستند، ارائه کنیم. تحقیق با این رویه، با توجه به فرضیه‌ها و باورهای موجود که به طور ضمنی در تفکر موجود مطرح است، انجام می‌شود. این رشته از تحقیق، تغییر نئولیبرال

اجتماعی ماحصل این حرکت پارادایمی می‌باشد. بنابراین تدوین چارچوب نظری حسابداری اجتماعی که بتوان بر اساس آن استانداردهایی مؤثر و قابل اجرا برای کلیه شرکت‌ها را تدوین کرد، امری ضروری به نظر می‌رسد. زیرا عدم اجرای حسابداری و گزارشگری اجتماعی، باعث کتمان بسیاری از حقایق موجود در شرکت‌ها می‌شود که این امر ممکن است منجر به تحریف واقعیات و در نهایت باعث گمراهی استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری و در نتیجه، عدم تخصیص بهینه منابع شود.

به طور کلی، حسابداری اجتماعی در چند دهه گذشته بسیار پیشرفت کرده است (پارکر، ۲۰۱۱). با این حال، هنوز با آنچه باید باشد فاصله دارد (اوون، ۲۰۰۸؛ دیگان، ۲۰۱۶). عدم هماهنگی با تحولات در فلسفه سیاسی بدان معناست که ما مسائل مربوط به شناخت، تکثیرگرایی، خواسته‌های دیگران و فرسایش بیشتر جامعه را نادیده می‌گیریم. محدودتر شدن تجارت و سیاست مهاجرت در بسیاری از کشورها، به این معنی است که حسابداری اجتماعی ممکن است در درخواست اطلاعات جامعه، سیاست‌گذاران و سایر ذینفعان با شکست مواجه شود. بنابراین، تحقیقات جامعه‌شناسانه حسابداری، نیاز به گسترش توجه به موضوعات روز جهانی دارد. لذا ضروری است که در این حوزه حس همکاری را در فعالیت‌هایی که همه می‌تواند در آنها مشارکت کنند، تشویق نماید. در نتیجه، چارچوب ارائه شده در این مقاله به عنوان ابزاری است که محققان جامعه‌شناسی حسابداری می‌توانند دیدگاه‌های مختلف فلسفی و تحقیقاتی را ادغام کنند، و از این طریق به چالش‌های پیچیده جهانی کمک شایان خواهد شد.

فهرست منابع

- * حساس یگانه، یحیی و برزگر، قدرت اله. (۱۳۹۳). میانی نظری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و پارادایم تحقیقاتی آن در حرفه حسابداری. فصلنامه حسابداری مدیریت، ۲۲، ۱۰۹-۱۳۳.
- * خواجهی، شکرالله؛ حلاج، محمد و گنجی، کیانوش. (۱۳۹۵). مقایسه نظریه دامنه و نظریه روش در پژوهش‌های حسابداری مدیریت: با تأکید بر نظریه کنشگر- شبکه. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۹(۲۹)، ۵۳-۷۲.
- * رهنمای رودپشتی، فریدون؛ نیکومرام، هاشم و بنی طالبی دهکردی، بهاره. (۱۳۹۵). نظام اطلاعات حسابداری مدیریت مبتنی بر شبکه کنشگران. تهران: انتشارات ترمه

سازمان‌های دولتی و غیردولتی و چگونگی آن را به منظور تشدید تغییرات اجتماعی به تصویر می‌کشد. علاوه بر این، محققان رادیکال / انتقادی می‌توانند نقش اخبار مربوط به کالا و سرمایه داری متضاد در جابجایی تنش بین جهانی سازی و حمایت از تولید داخلی را نقد کنند. مسلماً چنین کاری با بررسی پویایی جهانی جوامع و مفهوم اساسی آنچه که در حسابداری «محلی» مطرح است، بررسی می‌گردد. بدین ترتیب، تحقیق رادیکال / انتقادی می‌تواند با مسائلی فراتر از موضوعات عادی، مانند نقش حسابداری در بیان حقیقت و زیبایی و یا بی نقص بودن و یا کمبودهای موجود مواجه شود. مهم این است که چنین تحقیقاتی موجب طرح پرسش‌های متعدد و متعاقب آن، بهبود قدرت در جهان می‌شوند که عمدتاً به وسیله‌ی یک پارادایم نئولیبرال است که ارزش اقتصادی را بر تفاوت، تنوع و روابط اجتماعی تحمیل می‌کند.

در بخش بررسی سوالات پژوهش و آزمون فرضیات، با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌ها می‌توان به طور کلی به این نتیجه رسید که بین جامعه‌شناسی و حسابداری و پارادایم‌های آنها ارتباط مؤثر و دانش‌افزایی وجود دارد. حلقه‌ای ارتباطی بین جامعه‌شناسی و حسابداری، حسابداری اجتماعی است. حسابداری اجتماعی موجبات تعامل دقیق‌تر و سنجیده‌ای را بین جامعه و سازمان‌ها فراهم می‌آورد. حسابداری اجتماعی علاوه بر این که فضای هنجاری بهتری را ایجاد می‌نماید، آن خود باعث می‌گردد تا فضای محیطی سالم‌تری نیز در یک جامعه مورد نظر ایجاد گردد؛ یعنی آنچه که خود موجبات ارتقاء کیفیت زندگی را نیز برای شهروندان فراهم می‌آورد. بنابراین، در حالی که حسابداری همواره به دنبال این است تا خلأهای مالی را برطرف کرده و ترازنامه منطقی و سنجیده‌ای ترسیم نماید، جامعه‌شناسی نیز بالطبع می‌بایست چنین شیوه‌ای را با توجه به متغیرهای اجتماعی دنبال کرده تا نظم و توسعه اجتماعی را دست‌یافتنی نماید.

براساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول، پیشنهاد می‌شود که سازمان‌هایی که باید به مخاطبان گسترده‌ای همچون ذی‌نفعان خود پاسخگو باشند، نقش سنتی حسابداری در گزارشگری نتایج را به چالش بکشند و به جای رویکرد مالکیت برای پاسخگویی، رویکرد ذی‌نفعان و به رسمیت شناختن جامعه گسترده ذی‌نفعان را مدنظر قرار دهند و به تنظیم قرارداد اجتماعی جدیدی بین سازمان و ذی‌نفعان روی آورند.

بر طبق نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم، حرکت پارادایم‌های حسابداری از رویکردهای سنتی فردگرایانه به رویکردهای نوین جامعه و اجتماع‌گرایانه است و حسابداری

- * Hassard, J. Wolfram, J. (2013). Can Sociological Paradigms Still Inform Organizational Analysis? A Paradigm Model for Post-Paradigm Times. *journals.sagepub.com*
- * Hines, R. (1989). The Sociopolitical Paradigm in Financial Accounting Research. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 2.
- * Kuper, A. and Kuper, J. (1996). *The Social Science Encyclopedia*. 2nd Edition, New York: Routledge.
- * Lehman, G. (2015). Charles Taylor's ecological conversations: politics, commonalities and the natural environment. Hampshire, UK: Palgrave Macmillan.
- * Lehman, G. (2017a). Philosophical perspectives on critical accounting. In R. Roslender (Ed.), *The routledge companion to critical accounting* London: Routledge [forthcoming].
- * Lehman, G. (2017b). The language of environmental and social accounting research: The expression of beauty and truth. *Critical Perspectives on Accounting*, 44, 30–41.
- * Lehman, G., & kuruppu, S. C. (2017). A framework for social and environmental accounting research. *Accounting forum*, 41, 139-146.
- * Lindgreen, A.; Swaen, V.; and F. Maon (2009). "Introduction: Corporate Social Responsibility Implementation", *Journal of Business Ethics*, Vol. 85, No. 2, pp. 251-256.
- * Mangos, N. and Neil R. Lewis, (1995). A socio-economic paradigm for analysing managers' accounting choice behavior. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 8 Issue: 1, pp.38-62.
- * Milne, M. J., & Gray, R. H. (2013). 'W(h)ither ecology? The triple bottom line, the global reporting initiative, and corporate sustainability reporting'. *Journal of Business Ethics*, 118(1), 13–29.
- * Mouritsen, J., & Kreiner, K. (2016). Accounting, decisions and promises. *Accounting, Organizations and Society*, 49, 21–31. <http://dx.doi.org/10.1016/j.aos.2016.02.002>.
- * Parker, L. D. (2011). Twenty-one years of social and environmental accountability research: A coming of age. *Accounting Forum*, 35(1), 1–10. <http://dx.doi.org/10.1016/j.accfor.2010.11.001>.
- * Peloza, J. and L. Falkenberg (2009). "The Role of Collaboration in Achieving Corporate Social Responsibility Objectives", *California Management Review*, Vol. 51, No. 3, pp. 95-113.
- * Sikka, P. (2011). Accounting for human rights: The challenge of globalization and foreign investment agreements. *Journal of Critical Perspectives on Accounting*. London: 22 (8), 811-18.
- * Sikka, P., & Lehman, G. (2015). The supply-side of corruption and limits to preventing corruption within government procurement and constructing ethical subjects'. *Critical Perspectives on Accounting*, 28, 62–70.
- * Sikka, P., & Stittle, J. (2017). Debunking the myth of shareholder ownership of companies: Some implications for corporate governance and financial reporting. *Critical Perspectives on Accounting* [in press].
- * رهنمای رودپشتی، فریدون و مرتضوی، محبوبه سادات. (۱۳۹۵). توسعه دانش حسابداری مدیریت بر بستر علم جامعه‌شناسی. انتشارات ترمه.
- * شیخی، محمد تقی. (۱۳۹۱). حسابداری اجتماعی بعنوان ضامن نظم و توسعه اجتماعی: ارتباط بین جامعه‌شناسی و حسابداری. دهمین همایش ملی حسابداری ایران.
- * Arnold, P., & Sikka, P. (2001). Globalization and the state–profession relationship: The case of the Bank of Credit and Commerce International. *Accounting, Organizations and Society*, 26(6), 475–499.
- * Bradish, C. and J. J. Cronin (2009). "Corporate Social Responsibility in Sport", *Journal of Sport Management*, Vol. 23, No. 6, pp. 691-697.
- * Buhr, N., Gray, R., & Milne, M. J. (2014). Histories, rationales, national standards and future prospects for sustainability reporting. In J. Bebbington, J. Unerman, & B. O'Dwyer (Eds.), *Sustainability accounting and accountability* (pp. 51–71). Abingdon, Oxon: Routledge.
- * Deegan, C. (2016). Twenty five years of social and environmental accounting research within Critical Perspectives of Accounting: Hits, misses and ways forward. *Critical Perspectives on Accounting*, 43, 65–87.
- * Dumay, J., & Cai, L. (2015). Using content analysis as a research methodology for investigating intellectual capital disclosure. *Journal of Intellectual Capital*, 16(1), 121–155.
- * Gray, R. H., & Milne, M. J. (2017). Perhaps the Dodo should have accounted For Human Beings?: Accounts of humanity and (its) extinction. *Accounting Auditing and Accountability Journal* [in press].
- * Gray, R., Brennan, A., & Malpas, J. (2014). New accounts: Towards a reframing of social accounting. *Accounting Forum*, 38(4), 258–273. <http://dx.doi.org/10.1016/j.accfor.2013.10.005>.
- * Gray, R. (2010). Is accounting for sustainability actually accounting for sustainability...and how would we know? An exploration of narratives of organisations and the planet. *Accounting, Organizations and Society*, 35(1), 47–62.
- * Gray, R. (2002). The Social Accounting Project And Accounting Organizations And Society, *Accounting Is Applied In The Financial Statements Of Companies In Gaza Strip*. *Journal of Islamic University, (Human Studies Series)*, 15 (1), 239-281.
- * Gray, R. (2013). Back to basics: What do we mean by environmental (and social) accounting and what is it for?—A reaction to Thornton. *Critical Perspectives on Accounting*, 24(6), 459–468. <http://dx.doi.org/10.1016/j.cpa.2013.04.005>.
- * Gray, R. (2016). Reading for displeasure: Why bother with social accounting at all? *Social and Environmental Accountability Journal*, 36(2), 153–161.
- * Harvey, B. (2014). Social development will not deliver social licence to operate for the extractive sector. *The Extractive Industries and Society*, 1(1), 7–11. <http://dx.doi.org/10.1016/j.exis.2013.11.001>.

یادداشت‌ها

- ¹ Social and environmental accounting research
- ² Honnethe
- ³ Tweedie
- ⁴ Macionis and Plummer
- ⁵ Perspective
- ⁶ Kuper and Kuper
- ⁷ Harrison
- ⁸ Chrysochoou
- ⁹ Deakin
- ¹⁰ Rohall
- ¹¹ annisette
- ¹² Richardson
- ¹³ Watts and Zimmerman
- ¹⁴ Tregidga, Milne & Kearins
- ¹⁵ Sikka and Stittle
- ¹⁶ Milne & Grey
- ¹⁷ Bauer
- ¹⁸ Giovannini
- ¹⁹ Carnegie
- ²⁰ Loftus
- ²¹ Scott
- ²² Rankin
- ²³ Wolk
- ²⁴ Schroeder
- ²⁵ Belkaoui
- ²⁶ Linowes
- ²⁷ Sikka
- ²⁸ Chua
- ²⁹ Hines
- ³⁰ Mangos & Lewis
- ³¹ Covaleski
- ³² Gray
- ³³ Barlev & Renegddad
- ³⁴ Model
- ³⁵ Richardson & Annisette
- ³⁶ Hassard & Wolfram
- ³⁷ Tweedie
- ³⁸ Roslender & Dillard
- ³⁹ Gray
- ⁴⁰ Bisman
- ⁴¹ Wahyuni

- * Spence, C. (2009). Social accounting's emancipatory potential: A Gramscian critique. *Critical Perspectives on Accounting*, 20(2), 205-227. <http://dx.doi.org/10.1016/j.cpa.2007.06.003>.
- * Srivastava, M. (2013). "A Comprehensive Study of Corporate Social Responsibility with the Help of Rudyard Kipling's Model", *AIMA Journal of Management and Research*, Vol. 7, No. 1, pp. 1-12.
- * Thomson, I. (2015). 'But does sustainability need capitalism or an integrated report' a commentary on 'The International Integrated Reporting Council: A story of failure'. *Critical Perspectives on Accounting*, 27, 18-22.
- * Tregidga, H., Milne, M., & Kearins, K. (2014). (Re)presenting sustainable organizations. *Accounting, Organizations and Society*, 39(6), 477-494. <http://dx.doi.org/10.1016/j.aos.2013.10.006>.
- * Tregidga, H., Milne, M. J., & Kearins, K. (2015). Ramping up resistance corporate sustainable development and academic research. *Business & Society*. <http://dx.doi.org/10.1177/0007650315611459> Advance Online Publication.
- * Tweedie, D. (2018). *Critical Perspectives on Accounting*, Available online 4 February 2018.
- * Unerman, J., & Chapman, C. (2014). Academic contributions to enhancing accounting for sustainable development. *Accounting, Organizations and Society*, 39(6), 385-394.
- * Walker, S. P. (2016). Revisiting the roles of accounting in society. *Accounting, Organizations and Society*, 49, 41-50. <http://dx.doi.org/10.1016/j.aos.2015.11.007>.
- * Whitehouse, L. (2003). "Corporate Social Responsibility, Corporate Citizenship and the Global Compact: A New Approach to Regulating Corporate Social Power?", *Global Social Policy*, Vol. 3, No. 3, pp. 299-318.